



نیم نگاهی به

الفقه المأثور

و الأصول المتألفة

سیدحسن اسلامی

الفقه المأثور

لسماحة

آية الله على المشكيني

الفقه المأثور والأصول

المتألفة، [آية الله] على

المشكيني، قم: الهادي،

۱۳۷۶ش/۱۴۱۸ق،

ص ۵۲۸، وزیری.

کتاب های فقهی در یک

تقسیم بندی کلی به دو

دسته تقسیم می شوند:

آثاری که احکام شریعت را

به تفصیل برمی رسند و ادله

آنها را از منابع چهارگانه

(کتاب، سنت، اجماع و عقل)، نقل و نقد می کنند و می کوشند از میان اقوال و فتاوی گوناگون، قوی ترین آنها را برگزینند و به عنوان نظر مختار، بیان نمایند. چنین آثاری به وسیله مجتهدان نوشته می شوند و مخاطبان آنها نیز مجتهدان هستند و یا کسانی که در این راه، گام گذاشته اند. این آثار - که آثار اجتهادی نیز نامیده می شوند - بخش سترگ میراث شیعه را تشکیل می دهند و از آثار یک جلدی و مختصر (همچون «شرائع الإسلام») تا آثار دائرة المعارف گونه (چون «جواهر الکلام») را در برمی گیرند. چنین آثاری، حلقه اتصال مجتهدان خلف به



مجتهدان سلف و معصومان(ع) اند و اگر این آثار نبودند، اجتهاد دیرپای شیعه تا کنون چنین ریشه نمی دواند و بر بسط زمین، سایه نمی گسترد.

در کنار آثار فوق، آثار فقهی دیگری نیز از خامه فقیهان تراویده است که گرچه از نظر ماهیت با آثار پیش گفته همانندی دارند، اما ساز و کار و هدف آنها اندکی متفاوت است. در این گونه آثار، مستقیماً احکام شارع مقدس بیان شده و حکم هر مسئله مورد ابتلای مکلفان، مشخص گردیده و غالباً یکی از احکام پنج گانه (وجوب، استحباب، اباحه، کراهت و حرمت) بر آن بار شده است.

در چنین متونی، هدف، تعیین تکلیف مکلف است و در نتیجه، از ادله احکام و تعارض اقوال و فتاوا سخنی به میان نمی آید. مخاطبان این آثار، تمام کسانی هستند که می خواهند بدانند شارع از آنان چه خواسته است و کیفیت اجرای خواسته های شارع چیست. این آثار، تحت عنوان کلی رساله های عملی یا عملیه می گنجند؛ زیرا عمدتاً ناظر به وظایف و تکالیفی هستند که هر فرد مکلف باید انجام دهد.

چنین آثاری غالباً مخاطبان بسیاری دارند و اگرچه خواص از آنها چندان بهره اجتهادی نمی برند، بی گمان نیازهای بسیاری از عموم مردم را بر طرف می سازند و آنان را در امور عبادی شان یاری می رسانند. با همه نقاط قوتی که چنین آثاری دارند و با همه ضرورتشان، به نظر می رسد رابطه این آثار عملی با منابع و ادله احکام، چندان آشکار نیست و هر مجتهد، عمدتاً برداشت خود را از حکم شریعت، به صورت فتوا یا احتیاط و بدون ارجاع به مبنای حکم، بیان می دارد. البته چنین کاری اجتناب ناپذیر است و اگر هر مجتهدی بخواهد در رساله عملیه خود، راهی را که برای رسیدن به فتوای مختار خود طی کرده است بیان کند، دیگر آن رساله، عملیه نخواهد بود و مخاطبان آن نیز دیگر عامه نخواهند بود و نحوه استفاده از آن نیز دگرگون خواهد گشت.

با این همه اگر بتوان میان این دو گونه آثار، پلی زد و مخاطبان را از این سنخ آثار به آن سنخ ارجاع داد، مزایا و قوت های هر دو نوع آثار در کنار یکدیگر جمع خواهند گشت و بیشترین بهره حاصل خواهد شد؛ هدفی که کتاب «الفقه المأثور» دنبال می کند.



مؤلف کتاب حاضر، آیه الله علی مشکینی - که از معاریف حوزه و مدرّسان بنام و مبرّز و مجتهدان صاحب نظر است - با اشرافی که بر متون و منابع فقهی دارد و با تسلّطی که بر مسیر اجتهاد به دست آورده، کوشیده است در این اثر، یک دوره فقه استدلالی را به صورت غیر استدلالی گردآورد و رساله ای علمی - عملی ارائه کند.

نحوه کار مؤلف در این زمینه چنین بوده که یکایک ابواب فقهی را کاویده و مدرک هر مسئله را از نصوص اصلی (یعنی اقوال معصومان) به دست آورده و در صورت تعارض اقوال، قول مختار را برگزیده و آن گاه، فتوای خود را براساس آن بیان داشته است. تا این جا کار ایشان با کار دیگر مجتهدان همانند است؛ اما مهم ترین ویژگی کار ایشان در این اثر، آن است که به جای بیان فتوا از زبان خود و با خامه خویش، کوشیده است نصّ قول معصوم را ذکر کند. بدین ترتیب، هم نظر خویش را بیان داشته که کاری است عملی و برای استفاده مکلفان، و هم منبع قول خود را (که گاه همراه با دلیل و حکمت حکم است) آورده که کاری است علمی و برای استفاده پویندگان مسیر اجتهاد. در نتیجه، آن حلقه مفقود میان رساله های عملی صرف و آثار اجتهادی و علمی ناب، در این اثر پیدا شده است و هر کس که اندک بهره ای از زبان قرآن (عربی) و حظّی از ذوق سلیم داشته باشد، می تواند همین اثر را دست مایه و توشه راه پر پیچ و خم اجتهاد ساخته، به گونه ای روشمند و با ضابطه برای کسب علم به پیش رود.

نتیجه کار که اینک فراروی ماست، یک دوره رساله علمی - عملی است. همه کتاب های فقه (از طهارت تا دیات) یعنی ۴۶ کتاب، شامل ۲۵۳۵ مسئله، در این کتاب گردآمده است. مؤلف، حکم هر مسئله را بیان کرده است، اما از زبان معصوم؛ یعنی کوشیده است تا از میان احادیث متعدد، گویاترین و جامع ترین بخش ناظر به مسئله را برگزیند، نقل کند و نشانی آن را نیز برای محققان ذکر نماید. لذا در این متن، هیچ اثر قلم مؤلف دیده نمی شود؛ گرچه همه آنچه که آورده، منطبق با فتوای وی بوده است. برای مثال، مؤلف درباره وجوب نماز جمعه، سه مسئله نقل می کند که اولین آن به این شرح



إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ وَهِيَ الْجُمُعَةُ، فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ. فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَهِيَ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. وَحُجٌّ لِلْمَسَاكِينِ. وَمِنْ أَتَائِهَا اسْتِئْذَانُ الْعَمَلِ. وَخَفَقٌ عَلَيْهِ أَهْوَالُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَلَا يُعْذَرُ فِيهَا أَحَدٌ. وَمَنْ تَرَكَهَا مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ ثَلَاثًا فَهُوَ مُنَافِقٌ. طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ بِخَاتَمِ النِّفَاقِ. وَتَرَكَ حَضْرَ الْإِضْحَى عَشْرَ مَرَّاتٍ، أَهْوَنَ مِنْ تَرْكِ حَضْرَتِهَا مَرَّةً مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ.

این، یک مسئله دربارهٔ وجوب و اهمیت نماز جمعه است که در حقیقت، ترکیبی است از قطعات نه حدیث که به صورتی منسجم، کنار یکدیگر گذاشته شده اند و نشانی همهٔ قطعات، با دقت در پانویس کتاب آمده است. بدین ترتیب، حکم هر مسئله و فروع آن، از زبان معصوم آمده است.

مؤلف ارجمند، تنها به این کار توان سوز اکتفا نکرده، افزون بر آن، غالباً و هر جا که مناسب بوده است، مدرک مسئله را علاوه بر سنت، از کتاب خدا نیز نقل کرده است. بدین ترتیب، می توان گفت که «آیات الأحکام» - که بیش از چهارصد آیه است - به تناسب در جای جای این کتاب، گنجانده شده است.

مؤلف، خود در مقدمهٔ خواندنی کتاب، شیوهٔ کارش را توضیح داده است. منبع حدیثی عمدهٔ ایشان نیز کتاب مفصل «وسائل الشیعة» بوده است.

البته این کتاب، پرسشی را برای خواننده پدید می آورد که: آیا با چنین سبکی می توان بخشی را نیز به مسائل مستحدثه اختصاص داد، یا آن که تعبیر «فقه ماثور»، مانع از آن است؟

به هر رو، اصل کار، فراتر از آن است که بتوان حق آن را در چند صفحه ادا کرد. ای کاش این اثر - که فلسفه اش مانوس کردن ذهن خوانندگان به زبان و بیان معصومان (ع) است - به زبان فارسی نیز ترجمه می شد، تا نفع آن، همگانی تر شود.